

Examining the Opinion of Haiii m Malllll ll -Hasani in Opposition to the Meaning and the Validity of Hadiths of l *man balghahu*”

Abbas Behnejad⁻
Hamid Reza Mostafid⁻
Javad Alaolmohadesin⁻⁻⁻

Received: 14/01/2024

Accepted: 28/05/2024

Abstract

Hadiths of *man balghahu* appear in the fact that if someone acts on a hadith, then it turns out that the hadith is not valid, his reward is reserved with God. According to some scholars, these hadiths have become a basis for acting according to weak hadiths, or allowing for the issuance of a Shariah ruling of *isrtihbab*, or at least a promise that the practitioner of weak hadiths will be rewarded with the intention of *raja al-mutlubiyyah*. Therefore, the discussion about the validity and content of the hadiths of *man balghahu* plays a fundamental role in the acceptance or rejection of many hadiths of *fazail al-a'mal*, as well as the validity of *Qā'idah al-tasāmuḥ fī adillah al-sunan* and the issuance of the *istihab* ruling. Some scholars have not considered the citation of these hadiths to ignore the conditions of acceptance of hadiths, especially in Shariah rulings, as sufficient and valid, or they have considered their subject to be basically theological and have listed them outside the topics of hadith validity and the science of hadith. Al-Hasani, although with the harshness and directness of his tone, denied hadiths of *man balghahu* and the *Qā'idah al-tasāmuḥ fī adillah al-sunan*; In this essay, after examining the validity and content of *man balghahu* hadiths, his opinions are examined and criticized, and it is shown that he is right in his claim and has sufficient arguments for his claim. According to him, these hadiths do not have enough credibility to be a proof for accepting weak hadiths, and they are probably fakes of forgers and storytellers or their excuses to spread their unreliable narrations and unreliable traditions. In terms of content, he challenges them in several ways and does not accept relying on them to accept weak hadith, which his thoughts are explained in this article in four parts: inadequacy to ignore the conditions of accepting hadith, inconsistency with the method of the Prophet and Ahl al-Bayt, tolerance of attributing lies to the Prophet and imams, improper educational results.

Keywords: Hashim Ma'rouf al-Hasani, *Qā'idah al-tasāmuḥ fī adillah al-sunan*, *Ahadith of man balaghahu*, *Fabricated Hadiths*.

⁻ Ph.D. student in Quran and Hadith Studies, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. behnejad2@gmail.com

⁻ Assistant Professor of Quran and Hadith Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Responsible Author) h_mostafid@iau-tnb.ac.ir

⁻⁻⁻ Assistant Professor, Department of Quran & hadith, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. javad.ala@iau.ac.ir



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۸، شماره ۱، پیاپی ۳۵

پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۲۵۴-۲۲۹

مقاله علمی - پژوهشی

doi: 10.30497/qhs.2024.245750.3902

بررسی دیدگاه هاشم معروف الحسینی در مخالفت با اعتبار و دلالت احادیث من بلغ

عباس به نژاد⁻

حمیدرضا مستفید⁻

جواد علاء المحدثین⁻

چکیده

احادیث من بلغ، بیانگر آن هستند که اگر کسی به روایتی عمل کند، سپس معلوم شود آن روایت اصالت و اعتباری ندارد، پاداش او نزد پروردگار محفوظ است. برخی این اخبار را مبنایی برای پذیرش حدیث ضعیف یا جوازی برای صدور حکم شرعی استصحاب یا دست کم قول به مأجور بودن عمل کننده به احادیث ضعیف با نیت رجاء المطلبیه می دانند، اما گروهی دیگر این رواداری را نمی پذیرند یا موضوع آن ها را اساساً اعتقادی و کلامی دانسته و بیرون از مباحث سندی و علم الحدیثی یا اصولی برشمرده اند. از این رو بحث درباره اعتبار سند و دلالت متن احادیث من بلغ، نقش اساسی در پذیرش یا طرد بسیاری از اخبار آحاد و احادیث فضائل الاعمال و نیز اعتبار قاعده تسامح در ادله سنن دارد. در این جستار به بررسی اعتبار و دلالت احادیث من بلغ از منظر هاشم معروف الحسینی پرداخته شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد وی معتقد است این احادیث دستاویز جاعلان و قصاصان و احتمالاً برساخته آنان بوده تا نقل های بی اعتبار خویش و روایات نامعتبر را رواج دهند. ادله وی چنین است: نادیده گرفتن شرایط پذیرش خبر، ناهمخوانی با سیره پیامبر و اهل بیت، رواداری انتساب دروغ به معصوم، تالی فاسدهای تربیتی.

واژگان کلیدی

احادیث من بلغ، تسامح در ادله سنن، هاشم معروف الحسینی، احادیث موضوعه، احادیث فضائل الاعمال.

⁻ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. behnejad2@gmail.com

⁻ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

h_mostafid@iau-tnb.ac.ir

javad.ala@iau.ac.ir

⁻ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو است.

طرح مسئله

بنابر مضمون احادیث من بلغ اگر کسی با خبر شود کرداری دارای پاداش است و خداوند از انجام آن خشنود می‌گردد، و آن عمل را با نیت دستیابی به پاداش انجام دهد، مأجور است، حتی اگر آن خبر صحیح و معتبر نباشد. با وجود رواج و شهرت احادیث من بلغ، درباره اعتبار و اصالت مبانی آن، اجماع و اتفاق نظر میان دانشیان مسلمان دیده نمی‌شود و نقدهایی علاوه بر اعتبار سند، به محتوا و دلالت‌های آن مطرح است. برخی، قاعده تسامح در ادله سنن را از آن استخراج کرده و این احادیث را مجوز الغای شرایط حجیت خبر ضعیف دانسته، و به جواز صدور حکم شرعی استحباب رای داده‌اند و برخی دیگر، تنها به مأجور بودن عمل کننده بسنده کرده و صدور حکم شرعی را بر مبنای این احادیث نمی‌پذیرند. در حالی که برخی دیگر به هیچ روی الغای شرایط حجیت خبر را چه در صدور حکم شرعی و چه در اخبار فضائل الاعمال و حتی، درباره قصص و حکایات نمی‌پذیرند. عده‌ای نیز دلالت احادیث من بلغ را در دامنه علم کلام و اعتقادات دانسته و مضمون آن را مربوط به علم الحدیث و فقه و اصول نمی‌دانند.

رویکرد نقدالحدیثی معروف الحسنى در نفی اعتبار احادیث من بلغ و انکار دلالت آن‌ها برای پذیرش احادیث ضعیف، در آثار دانشیان پیشین نیز وجود داشته و دیگران نیز در این باب نقادی‌هایی کرده‌اند. الحسنى افزون بر نقدهای پیشین، بر نکته‌ای ویژه تاکید دارد و آن جعلی بودن احادیث من بلغ است، به عنوان برساخته‌هایی برای مقبولیت دادن به گروه دیگری از احادیث مانند: احادیث فضائل الاعمال و ترغیب و ترهیب. همچنین، ایشان از اینکه دامنه تاثیر احادیث من بلغ، به احادیث فضائل الاعمال محدود نمانده و به تاریخ و قصص نیز تسری یافته و موجب سهل‌انگاری در بررسی سند و اعتبار آنها شده، به سختی انتقاد می‌کند.

در این جستار پس از نقل احادیث من بلغ و بررسی اعتبار آنها، دلالت‌هایی که در فقه و اصول، علم الحدیث و کلام، مورد توجه بوده، مطرح می‌شود. سپس دیدگاه هاشم معروف الحسنى نقل و قوت و ضعف آن آشکار می‌گردد. دغدغه اصلی الحسنى، در دامنه علم الحدیث و رواج احادیث نامعتبر است. از اینرو پس از تردید در اعتبار سند احادیث من بلغ، دلالت آنها را آنچنان نمی‌بیند که مبنایی برای عمل به احادیث ضعیف باشند. چه رسد به آن که بخواهد پایه‌ای برای قاعده‌ای اصولی گردد.

نزد الحسنى جعلی بودن این روایات و دستاویز شدنشان توسط قاصدان و واعظان برای مشروعیت بخشیدن به داستان‌پردازی‌ها و فضیلت‌تراشی‌هایشان، اهمیت بیشتری یافته است و



پرداختن وی به این موضوع در چهارچوب پروژه کلان او «شناسایی و زدودن احادیث جعلی از جوامع حدیثی شیعه» صورت می‌گیرد، از این رو در انکار و نفی اعتبار احادیث من بلغ و به دنبال آن انکار قاعده تسامح پروایی از خود نشان نمی‌دهد.

پیشینه تحقیق

احادیث من بلغ و قاعده تسامح به طور کلی، در منابع بی‌شمار اصول فقه، بحث و بررسی می‌شوند. شمارش آنها از حوصله این جستار بیرون است، برای نمونه: محرابی (۱۳۹۷) و بجنوردی (۱۳۷۹) به تفصیل مباحث متعددی را، از جمله تاریخچه، ادله، و نقد و بررسی این روایات و ادله این قاعده و کفایت یا عدم کفایت آن در پذیرش حدیث ضعیف، گزارش کرده‌اند. شیخ مرتضی انصاری (۱۳۷۲) جستار مستقلی را به احادیث من بلغ اختصاص داده است. «رساله فی التسامح فی ادله السنن» (منتشر شده در کتاب رسائل فقیهه) در نوزده مدخل به جوانب گوناگون این موضوع پرداخته و ضمن پذیرش کلیات آن، مواردی را که این قاعده کارکرد دارد و می‌توان بر مبنای آن فتوا داد، تشریح کرده است. میرمحمدی (۱۳۶۸ و ۱۳۶۹) در دو جستار پس از بررسی سند و دلالت اخبار من بلغ، به مباحث اصولی، پیرامون آن پرداخته است. کریمیان (۱۳۹۷)، نیز ضمن پذیرش این احادیث، از دیدگاه اصولی، به مفهوم‌شناسی عبارت «من بلغه» و دامنه کارکرد آن می‌پردازد.

در مباحث علم الحدیث نیز گاهی به احادیث من بلغ به عنوان مستندی برای پذیرش اخبار ضعیف - نفیاً یا اثباتاً - پرداخته شده؛ از آن جمله است: شانه‌چی (۱۳۸۱) و باقری (۱۳۸۲) که به تفصیل به سند و راویان این احادیث پرداخته و تواتر و حتی مستفیض بودن آنها را به چالش می‌کشند. باقری (۱۳۸۲) همچنین متن احادیث را نقد و بررسی کرده و اهم اشکالات آنها و پاسخ‌های ارائه شده را، نقل و نقد نموده است. کلانتری (۱۳۹۷) اما به نقد و بررسی دلالت‌های رایج پرداخته و موضوع احادیث من بلغ را بیرون از فقه و اصول و علم الحدیث دانسته و بر مضمون اعتقادی و کلامی آن پای فشرده است. سخن ایشان ناظر به سخن آیت الله خویی (۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۰۷) در جمع بندی آرای مختلف درباره احادیث من بلغ است. احمد رضوانی (۱۳۷۹) در «تسامح» که جستاری در دائره‌المعارف بزرگ اسلامی است، بدون اتخاذ موضعی خاص، تنها گزارشی فشرده از سرگذشت قاعده تسامح در فقه شیعه و دیدگاه‌های گوناگون درباره آن فراهم کرده است.

در نقد و بررسی اندیشه‌های معروف الحسنی و کتاب *الموضوعات فی الآثار والاخبار*، نیز کوشش‌هایی شده است. اخوان صراف (۱۳۸۳) به مناسبت انتشار ترجمه فارسی کتاب معروف الحسنی، روش او را در این کتاب نقد و بررسی کرده و آمیختگی نقد متنی و سندی و دقیق نبودن برخی نقل‌ها و عدم ارجاعات را از ضعف‌های کتاب می‌داند و در کنار آن دیدگاه معروف الحسنی درباره معیارهای ضعف و عوامل جعل حدیث پرداخته است. در جستاری دیگر، اخوان صراف (۱۳۸۶) در نقد کتاب معروف الحسنی، بر دقت ناکافی، عدم شفافیت مبانی و روشن نبودن معیارهای تشخیص احادیث موضوع که «منجر به داوری‌های غیرعلمی و ناروا نسبت به روایات شده» (اخوان صراف، ۱۳۸۶) تاکید کرده است.

اندیشمند عراقی، خطیب (۲۰۲۲) در نوشتاری که به اندیشه‌های حدیثی معروف الحسنی اختصاص دارد، رویکرد عقلانی و انتقادی معروف الحسنی و صراحت لهجه او را در نقدالحدیث ستوده و مورد توجه قرار داده و به طور مشروح روش و کوشش الحسنی را بررسی و روایت کرده است.

امینی و دیگران (۱۳۹۸) به نقد روشی معروف الحسنی پرداخته و «تعمیم‌گرایی، غفلت از منابع رجالی دست اول، پرداخت بی ضابطه به بحث غلو، عرضه اطلاعات نادرست ... و نقد غیرمنصفانه ... اصرار بیش از حد بر معیار موافقت روایت با عقل و علم تجربی» (امینی و دیگران، ۱۳۹۸) از ضعف‌های او دانسته‌اند. به طور ویژه اشاره‌ای به نحوه برخورد الحسنی با احادیث من بلغ در این جستار دیده نمی‌شود.

دیدگاه هاشم معروف الحسنی در نفی اعتبار احادیث من بلغ اما، چندان مورد توجه قرار نگرفته و تنها اثری که در نقد و بررسی این دیدگاه وی یافته شد، جستاری از حسینیان قمی (۱۳۷۶)، در مجموعه «دفاع از حدیث» است. وی آراء معروف الحسنی را به تفصیل نقد کرده و جعلی بودن احادیث من بلغ را نمی‌پذیرد. او ادعا می‌کند همه عالمان شیعی این دسته از روایات را پذیرفته‌اند. در باب دلالت نیز، تصریح می‌کند مضمون این روایات آنست که «دغدغه احراز واقع و اثبات اعتبار نقل در محدوده مستحبات، در میان نیست» (حسینیان، ۱۳۷۶). ایشان تاکید می‌کند در این‌که آیا احادیث من بلغ دلالت بر استحباب، رجحان یا ترتب ثواب بر انقیاد عمل کننده، دلالت دارند، اختلاف است.



۱. اخبار من بلغ و بررسی اعتبار آنها

پنج روایت با این مضمون در منابع شیعی یافته می‌شود و بیش از مواردی که در این بخش آمده، یافته نشد. ازین رو ادعای کثرت اخبار من بلغ (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۲۸) محل تأمل است، چه رسد به ادعای تواتر. (العاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۱۷). احادیث مربوطه اینهاست:

۱- «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عِمْرَانَ الرَّعْفَرَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ الْيَمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابُ أُوتِيَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۷).

راوی این روایت از امام باقر(ع)، محمد بن مروان «ضعیف علی المشهور» است. (خویی، معجم، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۱۲) در رجال خویی پانزده نفر به این نام، یاد شده‌اند که هیچ‌کدام به‌درستی شناخته شده نیستند و جرح و تعدیلی درباره آنها نشده است. (خویی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۲۹-۲۳۴) مامقانی وی را مجهول الحال معرفی کرده است (باقری، ۱۳۸۲).

راوی دیگر، محمد بن سنان الزاهری (م ۲۲۰ ق)، ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ (خویی، معجم، ۱۴۱۰، ج ۱۷، ص ۱۶۲-۱۷۲). کشی نقل‌ها و گفته‌های طعن‌آلود بسیاری را در مورد او ذکر می‌کند. (باقری، ۱۳۸۲) گرچه گروه قابل ملاحظه‌ای او را توثیق کرده‌اند. (باقری، ۱۳۸۲) در سبب تضعیف او، اتهام به غالی بودن، نقل روایاتی که به وجاده یافته، کذب، مخالفت با امام باقر(ع) و وضع حدیث ذکر شده است. از سوی دیگر فراوانی روایاتی که نقل کرده (بیش از ۱۶۰ روایت)، اعتماد راویان ثقه بر او، خلط میان او و کسی دیگر مشهور به ابن سنان، احتمال تقیه‌ای بودن روایاتی که در طعن اوست و عدم اتفاق نظر در معنای غالی را می‌توان از اسباب توثیق او دانست. (نک: ستوده، ۱۳۹۰)

راوی دیگر، عمران الزعفرانی نیز مجهول است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸ و ج ۱۴، ص ۱۶۸) که گرچه نامش در سند برخی روایات و کتب رجالی آمده اما اطلاعاتی از او در دست نیست.

۲- «أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْءٌ فِيهِ الثَّوَابُ فَقَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلِ النَّبِيِّ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ وَ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَمْ يَقُلْهُ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۵).

احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش، از احمد بن نصر، از محمد بن مروان، از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمود به هر کس خبری از پیامبر (ص) برسد که در عملی پاداش هست، و آن عمل را به خاطر سخن پیامبر انجام دهد، پاداش آن را خواهد داشت، حتی اگر پیامبر (ص) آن سخن را نگفته باشد.

احمد بن ابی عبدالله برقی، گرچه ثقه است، از راویان ضعیف نقل کرده و به مراسیل اعتماد نموده، (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۷۶) از این رو به روایاتش اعتماد نمی‌شود. او این روایت را از پدرش، محمد بن خالد برقی نقل می‌کند که او نیز تضعیف شده است. (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۳۳۵) احمد بن النضر، توثیق شده. (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۹۸) درباره ضعف محمد بن مروان نیز پیشتر گفته شد.

۳- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۷).

علی ابن ابراهیم از پدرش، از ابن ابی عمیر، از هشام بن سالم، از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمود: هر کس خبری درباره پاداش کاری بشنود و آن کار را انجام دهد، آن پاداش را خواهد داشت حتی اگر آنچه شنیده به واقع درست نباشد.

روایت کلینی، به نقل از هشام بن سالم، از نظر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ق) «حسن کالصحیح» است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۱۱۲)، از آنکه همه راویان آن از مشایخ هستند، مگر ابراهیم بن هاشم - علی ابن ابراهیم از او نقل کرده - که مجهول است و قول صریحی در توثیق او یافته نمی‌شود. (صدر، بی تا، ص ۲۸۶) با این حال «سید بن طاووس به وثاقت او تصریح نموده است.» (میرمحمدی، ۱۳۶۸) کثرت روایاتی که به واسطه فرزندش، در کتاب کافی نقل شده - بیش از هزار روایت - گواه بر اعتبار او دانسته شده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۲۳)



۴- «وَعَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَقُلْهُ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۵).

و از او به نقل از علی بن حکم، از هشام بن سالم، از ابی عبدالله (ع)، که ایشان فرمود: به هر کس خبری درباره ثواب عمل نیکی برسد و آن عمل را انجام دهد، پاداش آن را خواهد داشت، حتی اگر پیامبر خدا (ص) آن سخن را نگفته باشد.

علی بن الحکم در سند این روایت، که از هشام بن سالم روایت کرده، دیده می‌شود. آنگونه که مرحوم خویی گزارش کرده، در سند بیش از هزار و چهارصد روایت نام علی بن الحکم هست. ایشان در نهایت سه نفر را به این نام معرفی می‌کند: علی بن الحکم الانباری، علی ابن الحکم بن الزبیر و علی بن الحکم بن مسکین. نجاشی از ابوالحسن الضریر علی ابن الحکم بن الزبیر الانباری نام می‌برد. شیخ طوسی نیز از علی بن الحکم الکوفی یاد کرده، که ثقه و جلیل القدر است. مرحوم خویی این دو را، یک نفر می‌داند. از علی بن الحکم بن مسکین نیز تنها یک روایت رسیده که در آن هم خطایی صورت گرفته و ضبط نام به درستی انجام نشده است. (خویی، معجم، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ص ۴۲۵-۴۲۶)

۵- «أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هَاشِمِ بْنِ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ مِنْ خَيْرِ فَعَمِلَهُ كَانَ لَهُ أَجْرُ ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَقُلْهُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳۲).

پدرم گفت: روایت کرد مرا علی ابن موسی از احمد بن محمد از علی بن حکم از هاشم بن صفوان از ابی عبدالله (ع)، که ایشان فرمود: به هر کس خبری درباره ثواب عمل نیکی برسد و آن عمل را انجام دهد، پاداش آن را خواهد داشت، حتی اگر پیامبر خدا (ص) آن سخن را نگفته باشد.

وسائل الشیعه (عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸۰)، الوافی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۷۰) و بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۵۶) این روایت را به نقل از ثواب الاعمال آورده اند و سند را چنین نقل کرده اند: «عن علی بن الحکم عن هشام عن صفوان عن أبي عبد الله». در سند این روایت علی بن موسی معروف به الکمندانی دیده می‌شود. گرچه کلینی (مت ۳۲۹ هق) از او نقل حدیث کرده، مجهول است و توثیقی درباره اش یافته نشد. (نک: خویی، ۱۴۱۰، ذیل علی

بن موسی الکمندانی، ج ۱۳، ص ۲۰۵) برخی عدم توثیق او را تصریح کرده‌اند (سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۴۹۱) که موجب ضعف روایت است.

ابن فهد حلی (م ۸۴۱ ق) این روایت را به نقل از صفوان دانسته: «وروی ایضا باسناده الی صفوان عن ابی عبدالله ان من بلغه شیء من...». (حلی، ۱۴۰۷، ص ۹) این نقل منطبق است با آنچه شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق) در وسائل الشیعه آورده: «عن هشام، عن صفوان، عن ابی عبد الله؛ (عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۹) بجنوردی نیز این خبر را با عنوان «المروی عن صفوان عن الصادق» آورده و در پاورقی به ثواب الاعمال صدوق ارجاع می‌دهد. (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۲۹) و نیز سبحانی می‌گوید: «فقد روی صفوان عن ابی عبدالله» و به وسایل الشیعه (باب ۱۸ من ابواب مقدمات العبادات) ارجاع داده (سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۵۸۴) و در الوسیط فی اصول الفقه، نیز بدون ارجاع، از صفوان روایت می‌کند (سبحانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۱۶) و مرادش از هشام، هشام بن سالم است. (سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۴۹۰) مرحوم علی اکبر غفاری در ترجمه فارسی ثواب الاعمال نام راوی را «صفوان بن مهران» آورده است. (غفاری، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۶) بر این اساس ایشان، مانند وسائل الشیعه، متن را چنین خوانده است: «هشام عن صفوان [بن مهران]». در حالی که می‌دانیم صفوان همواره از هشام روایت کرده است، و نه هشام از صفوان؛ که نشان از تصحیف و قلب در روایت و موجب تضعیف آن است. (باقری، ۱۳۸۲)

۱-۱. نتیجه بررسی‌های سندی اخبار من بلغ

روایت سوم و چهارم که از دو طریق به هشام بن سالم می‌رسند، با وجود تفاوت‌هایی در لفظ، وحدت معنوی دارند و صحیح دانسته شده‌اند. (سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۴۹۰) سه دیگر مجهول یا ضعیف است. برخی همه روایات فوق را ضعیف و غیرقابل اعتماد دانسته‌اند (موسوی غروی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۱) و ادعا کرده‌اند «سند هیچ یک از این اخبار صحیح نیست. فقط سند یکی از آنها را حسن گفته‌اند و بقیه ضعیف می‌باشد». (موسوی غروی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۱) یا گفته می‌شود «اسنادش ضعیف و ذات نایافته است و شاهی از کتاب مجید و سنت حتمیه ندارد، بلکه بر خلاف عقل سلیم و ذوق مستقیم است». (موسوی غروی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۴. و نیز برای بررسی تفصیلی سند و راویان این روایات، نک: باقری، ۱۳۸۲)

و برخی دیگر به صحیح بودن (خوبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۶۸) یا مستفیضه بودن (میرمحمادی، ۱۳۶۸) آنها - یا بعضی از آنها - رأی داده‌اند. با توجه به شمار اندک این روایات و وضعیت



راویان آنها، ادعای مستفیضه بودن - دارا بودن اقل شرایط اطمینان آور و منحصر نبودن به سه چهار راوی ضعیف (خویی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۶۸) - وجهی ندارد.

۲-۱. دلالت اخبار من بلغ

از اخبار من بلغ دست کم چهار برداشت و نتیجه گیری کلی شده است:

۱-۲-۱. دلالت اعتقادی و کلامی احادیث من بلغ

حتی اگر اعتبار اخبار من بلغ را بپذیریم، دلالت آنها تنها بر ترتب پاداش بر عمل نیک، به عنوانی اصلی اعتقادی است و اقتضایی بر طلب شارع - وجوب یا استحبابا - در آنها نیست. عبادات - واجب یا مستحب -، توقیفی است و برای ثبوت آنها لازم است دلیل صریح یا نص صحیحی وجود داشته باشد. (بحرانی، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۹ و ۲۰۱)

اخبار من بلغ بر یک اصل کلامی و اعتقادی تاکید دارند و مضمون آنها با تفضل الهی و ثواب و پاداش مرتبط و در صدد بیان رحمت پروردگار به بندگان است که اگر به هر بهانه‌ای - حتی خبری ضعیف - کرداری را با امید به پاداش الهی انجام دهند، مأجور و بهره‌مند از لطف الهی خواهند بود. از این رو اساسا در مقام بیان یک حکم شرعی یا تعیین معیاری برای پذیرش خبر نیستند. (برای تفصیل بیشتر، نک: کلانتری، ۱۳۹۷ و خویی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷-۲۰۸)

۲-۲-۱. حجیت خبر ضعیف در احکام شرعی

در میان فقیهان و اصولیون سخن در آن است که «آیا این روایات فقط ثبوت پاداش برای عمل کننده را ثابت می‌کنند - نظر شیخ انصاری -، یا دلیلی بر استحباب شرعی عمل هستند - بنابر رأی محقق خراسانی -؟» (سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۴۸۹ و نیز نک: صص. ۴۹۳-۴۹۶) بنابر این نزد فقیهان و اصولیون دو استنتاج و دلالت پدید می‌آید:

- گروهی قائل به حجیت حدیث ضعیف برای فتوا و صدور حکم شرعی استحباب هستند.

- گروهی الغای شرایط حجیت خبر را به استناد اخبار من بلغ نمی‌پذیرند.

گروه اول، باورمندان به «قاعده تسامح در ادله سنن» یا رواداری پذیرش خبر ضعیف برای استنباط حکم شرعی توسط فقیه، هستند. نزد اینان استناد به اخبار من بلغ و قاعده تسامح کاملا

به هم پیوسته و مساله‌ای اصولی است که استنتاج بر مبنای آن نیازمند ملکه اجتهاد است. (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۱۴۹) اصولی دانستن این قاعده و احادیث مربوط به آن، موجب می‌شود که عموم مکلفان از استناد به آنها، به کلی برکنار دانسته شوند. (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۱۶۱) پذیرندگان قاعده تسامح، صدور حکم به استحباب شرعی یا جواز حکم به کراهت (نائینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۱۲) بر اساس احادیث ضعیف را روا می‌دانند، که ثمره‌اش ثبوت پاداش به خاطر ارزش ذاتی عمل و منفعتی است که در آن است.

در حالی که گروه دوم، منکران پذیرش این قاعده، (صدر، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۲۶۲؛ خوبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۶۹؛ انصاری، ۱۳۷۲، ص ۱۴۵) احادیث من بلغ را حجتی برای صدور حکم استحباب شرعی بر اساس حدیث ضعیف و نیز الغای شرایط حجیت خبر نمی‌دانند، در نتیجه نزد اینان، خود عمل ارزش ذاتی نداشته و پاداش، به نیت عمل کننده تعلق می‌گیرد. سبحانی تصریح دارد: «روایات من بلغ تنها در صدد آن است که بگوید اگر مکلف عملی را با حجت شرعی انجام داد و سپس خلاف آن معلوم شد، زیانی نکرده است» (سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۴۹۲). استحباب یکی از اقسام احکام پنج‌گانه شرعی است و حکم کردن به آن نیز، نیاز به حجت شرعی دارد. بنا بر این گرچه نمی‌توان مانند گروه اول تنها بر اساس حدیث ضعیف، حکم به استحباب شرعی داد، اما می‌توان عمل کننده به مضمون حدیث ضعیف را اگر رجاء المطلوبیه دارد، مأجور دانست. سیستانی می‌گوید:

«استحباب ذکر شده در این رساله مبتنی است بر قاعده تسامح در ادله سنن، و از آنجا که این قاعده نزد ما ثابت نیست، رأی به این استحباب‌ها بر اساس رجاء المطلوبیه است؛ همچنین مکروهات نیز باید بر اساس رجاء المطلوبیه ترک شود» (سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۹، مسأله ۳۲)

از این رو آنچه موجب رواج پذیرش حدیث ضعیف شده، تنها بر عهده قاعده تسامح نیست، بلکه حتی مخالفان این قاعده نیز عملاً، به شیوه‌هایی دیگر حدیث ضعیف را پذیرفته و به کار می‌گیرند. (برای آگاهی از شروط پذیرش خبر ضعیف، نک: بیضانی، ۱۳۸۵، صص ۳۹-۴۱) سخن پیش گفته آیت الله سیستانی (سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۹، مسأله ۳۲)، روشنگر فارق میان احادیث من بلغ و قاعده تسامح است و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان قاعده تسامح را نپذیرفت و در عین حال بر اساس احادیث من بلغ، برخی اعمال مذکور در احادیث ضعیف را توصیه کرد. ایشان در جای دیگر نیز تاکید می‌کند:



«استحباب این غسل‌های پیش‌گفته با دلایل معتبر ثابت شده است. اما غسل‌هایی هم هست که فقیهان در ذیل غسل‌های مستحبی از آنها یاد می‌کنند؛ گرچه استحباب آنها نزد ما ثابت نیست، اما اشکالی نیست که کسی آنها را با قصد رجاء انجام دهد» (سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲۰، مسأله ۳۴۱).

۱-۲-۳. عدم الغای شرایط پذیرش خبر

در علم الحدیث، افزون بر نقدهایی که به سند احادیث من بلغ وارد است، با چهار استدلال، مضمون آنها نقادی شده و استناد به آنها برای نادیده گرفتن ضعف سند در شرایط حجیت خبر، ناروا دانسته می‌شود:

الف) تعارض با آیه: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (النساء: ۴۹) که پذیرش خبر را بدون تبیین و تثبیت، نهی کرده، چه رسد به انتساب سخنی به پیامبر گرامی (ص) و معصومان (ع) با خبر ضعیف. «بین اخبار من بلغه و بین آیه نباء تعارض است، زیرا اخبار من بلغه شامل آن اخباری هم می‌گردد که راویانش غالی، کذاب و دارای مذاهب باطله می‌باشند. ولی قرآن می‌گوید سخن فاسق را بی تحقیق قبول نکنید.» (موسوی غروی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۲) بنابراین آیه نباء به عنوان اصلی بالادستی، بر این اخبار حاکم است و لازمه اش وسواس و دقت در پذیرش خبر ضعیف است. «مضمون این آیه، نپذیرفتن خبر فاسق است، در سنن و غیر آن. در حالی که اخبار من بلغ دلالت بر ترتب ثواب بر هر عملی دارد که از طریق غیر معصوم رسیده، اعم از این که مخبر، عادل باشد یا نباشد.» (بحرانی، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۹. و صص ۲۰۰-۲۰۱) برخی موافقان البته، با استناد به نقل‌هایی در شأن نزول و نیز مفهوم لغوی «نبأ»، تعارض آن را با اخبار من بلغ، نمی‌پذیرند. (میرمحمدی، ۱۳۶۹)

ب) آنچه از اخبار من بلغ فهمیده می‌شود، ترتب ثواب بر کردار نیک است و ارتباطی با حجیت خبر ضعیف ندارد. ازین رو حتی اگر اخبار من بلغ صحیح دانسته و به مأجور بودن عمل کننده با نیت رجاء حکم شود، به معنی جواز پذیرش خبر ضعیف نیست. (نک: بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۳۰)

ج) اگر از اخبار من بلغ پذیرش خبر ضعیف فهمیده شود، تالی فاسد دارد و «همین تسامح موجب شده که در زهدیات و قصص و از همه بدتر در داستان کربلا، منقولاتی در کتب ثبت و

بر فرازِ منابر گفته شود که انسان علم اجمالی به کذب پاره‌ای از آنها دارد و در نتیجه مشمول نفرین رسول اکرم (ص) خواهد بود که فرمود: «مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّءْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (شانه‌چی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱) این تسامح در پذیرش خبر ضعیف به اخبار فضائل الاعمال، محدود نمانده و به جایی رسیده که «چیزهای بسیاری را به مقتضای این اخبار ضعیف حرام و اموری را بدین منوال واجب دانسته اند.» (موسوی غروی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۴)

د) «بلوغ در احادیث من بلغ، به معنی وجود شروط عقلی و عرفی اطمینان‌آور برای پذیرش خبر است و اخباری را که به صدور آنها اطمینان حاصل نشود، در بر نمی‌گیرد. ... از اینرو اگر مکلف با شیوه‌های عقلی اطمینان‌آور به اخباری دست یافت که رجحان عملی را بیان می‌کنند و آن عمل را از روی طاعت و انقیاد و با امید به پاداش انجام داد، مستحق پاداش است.» (مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۱) بنابر این از اخبار من بلغ حجیتی برای پذیرش خبر ضعیف ندارند.

۱-۲-۴. جواز استناد به اخبار ضعیف یا جواز نقل آنها در فضائل و قصص

شیخ انصاری از شهید ثانی نقل می‌کند که «عموم بزرگان، عمل به خبر ضعیف را در قصص و مواعظ و فضائل الاعمال، مجاز دانسته اند.» (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۷) ایشان سپس توضیح می‌دهد که خبر ضعیف در قصص و مواعظ یعنی نقل و شنیدن و به خاطر سپردن خبر ضعیف - مشروط به آنکه در حد جعل و وضع نباشد - و پذیرش اثراتی که به دنبال دارد، مگر در واجبات و محرمات، بدون اشکال است. (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۸) روشن است این سخن به معنی رواداری پذیرش کذب که عقلاً قبیح است، نیست، بلکه «اخباری مورد نظر است که تطابق آنها با واقع، محرز نیست یا از طریق صحیح نرسیده‌اند. اما به هر روی در آنچه به معصوم نسبت داده می‌شود، تسامح روا نیست؛ حتی اگر در حجیت اخبار ضعیف قصص و حکایات، روا باشد.» (نایینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۱۲)

۲. بررسی دیدگاه معروف الحسنى در خصوص روایات من بلغ

سید هاشم معروف الحسنى (۱۹۱۹-۱۹۸۴ م)، فقیه، قاضی، پژوهشگر و نویسنده شیعه لبنانی با بیش از بیست کتاب در فقه، اصول فقه، اعتقادات و تاریخ شیعه و علم الحدیث، که تحصیلات دینی خود را در نجف اشرف (۱۹۲۷-۱۹۴۲ م) به پایان رسانید. نام او در زمره شاگردان مرحوم آیت‌الله العظمی خویی دیده می‌شود. (واسطی، ۱۴۳۴، ص ۱۵)



وی پس از بازگشت به زادگاهش به شغل قضاوت در محاکم شرعی شیعه جعفری در منطقه بنت جبیل لبنان پرداخت. (امین، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۲۴۸) ایشان در زمان خود به عنوان متخصص در علم درایت الحدیث، شهرت داشته و کتابخانه‌اش مشتمل بر منابع حدیثی و ادبی فراوانی بوده است. (امین، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۲۴۸)

جستار حاضر مبتنی بر دیدگاه‌های ایشان در کتاب *الموضوعات فی الآثار و الاخبار* (چاپ اول: ۱۹۷۳ بیروت) است. تعریف سنت و جایگاه آن، تدوین حدیث و تاریخ آن، نقد و بررسی جایگاه صحابه در حدیث، نقش حدیث در تشریع، ضرورت بررسی متن در کنار سند حدیث، شروط پذیرش حدیث، کذب در حدیث و انگیزه‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی آن، داستانپردازی، احادیث جعلی و شیوه‌های جعل حدیث و راویان جاعل از مباحث مطروحه در این کتاب است. الحسینی ضمن پرداختن به جعل و کذبی که در میان اهل سنت رواج داشته، به نقد و بررسی جعلیات و احادیث برساخته در میان دانشیان شیعه می‌پردازد و آن را نقد می‌کند. وی بخشی از کتاب *الموضوعات فی الآثار و الاخبار* را به احادیث من بلغ اختصاص داده و حملات تند و صریحی به آنها به عنوان یکی از عوامل جعل حدیث دارد.

در این بخش دیدگاه و دلایل او را بررسی می‌شود. پیشتر بیان شد که مخالفت با اعتبار و دلالت این اخبار امر بی‌سابقه‌ای نیست و دانشیان شیعه در پذیرش اعتبار، دلالت و دامنه استنباط از آنها اتفاق نظر ندارند. الحسینی نیز کمابیش نکات انتقادی پیش گفته را تکرار می‌کند، اما از دیدگاه علم الحدیثی، بر تاثیر اخبار من بلغ بر پذیرش حدیث ضعیف و رواج احادیث جعلی تأکید و پافشاری می‌کند. مهمترین دیدگاه‌های ایشان چنین است:

۲-۱. نفی اعتبار اخبار من بلغ

الحسینی بر بی‌اعتباری سند روایات من بلغ پای می‌فشارد و قابلیت آنها را برای آنکه بتواند مستند احکام شرعی یا مجوزی برای اعتنا به حدیث ضعیف باشد، انکار می‌کند:

«سناد روایات من بلغ از شرایط کافی برای آنکه مبنای عمل قرار بگیرد،

برخوردار نیست، از آنکه در دینداری برخی راویان تردید است و برخی

دیگر مجهول هستند. مگر یک روایت که از نظر اهل حدیث، صحیح است»

(معروف الحسینی، ۱۹۷۳، ص ۱۷۰).

اخبار من بلغ، بیش از پنج روایت نیست که از سه راوی (محمد بن مروان: دو روایت از امام باقر (ع) و امام صادق (ع)؛ هشام بن سالم: دو روایت از امام صادق (ع)؛ و صفوان جمّال: یک روایت از امام صادق (ع)) نقل شده‌اند. برخی دانشیان همه این روایات را ضعیف و غیرقابل اعتماد دانسته‌اند (موسوی غروی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۱) و برخی دیگر به صحیح بودن برخی از آنها (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۶۸) یا مستفیض بودن (میرمحمدی، ۱۳۶۸) رأی داده‌اند.

استناد به قول معصوم (ع)، اساساً تمسّک به امری فراعقلی است برای اثبات حکم شرعی. اگر به محتوای احادیث من بلغ، استناد شود تا ثابت گردد عمل کننده، تنها به خاطر نیت خود از پاداش محروم نخواهد ماند، امری عقلی و عرفی ثابت شده است که عقل سلیم بدون استناد به قول معصوم هم می‌تواند آن را بپذیرد. اما نزد متشرّعان، استناد به حدیث برای اثبات امری است که عقل به سادگی به آن نمی‌رسد و لازم است از سرچشمه وحی گواهی برای آن یافته شود. احادیث من بلغ خواستگاه دو حکم شرعی هستند: حکم اصولی تسامح در ادله سنن و حکم علم الحدیثی رواداری پذیرش خبر ضعیف در فضائل الاعمال. معروف الحسنی در واقع با این استنتاج مخالف است و به هیچ روی نمی‌پذیرد که این احادیث آن پایه اعتبار داشته باشند که بتوان با استناد به آنها این اصول شرعی را پایه‌ریزی کرد.

وی همچنین به نقش قصاصان و جاعلان در رواج و به کارگیری احادیث من بلغ پرداخته است. پذیرش این اخبار مبنایی برای پذیرش اخبار ضعیف فضائل الاعمال شده، که روا نیست. زیرا نمونه‌های زیادی از احادیث موضوعه و جعلی وجود دارد که گواه بر کردار جاعلان و داستان پردازان و واعظان است و اینان برای آنکه خود را از پاسخگویی درباره اعتبار مرویات خویش برهانند، به احادیث من بلغ استناد می‌کنند:

«داستان‌پردازان احادیثی را برای تقویت روایات و اسطوره‌هایشان بر ساخته و اسنادی هم برای آن پرداخته‌اند تا آنها را به پیامبر گرامی و امامان معصوم منسوب دارند و اینگونه به مخاطبان القا کنند که آنچه می‌گویند درست است. از اینرو از امام علی (ع) روایت کرده‌اند که هرکس دریابد فلان عمل ثواب دارد و انجامش دهد، مأجور است، حتی اگر پیامبر چنان نگفته باشد» (معروف الحسنی، ۱۹۷۳، ص ۱۶۹).



از نظر ایشان این گروه تنها نبوده‌اند و بسیاری از اهل ایمان و پیروان پیامبر گرامی و پیشوایان معصوم نیز، چه بسا با قصد خیر و نیت پاک به زعم خویش به بر ساختن احادیث فضائل و ترغیب پرداخته‌اند تا مومنان را به کردارهای شایسته و دستیابی به رستگاری وادارند و اسلام را یاری نمایند. (معروف الحسنى، ۱۹۷۳، ص ۸۹) اینان در پاسخ به معترضان ادعا می‌کنند «ما برای یاری دین و به سود پیشوایان، این دروغ‌ها را بر ساخته‌ایم». (معروف الحسنى، ۱۹۷۳، ص ۱۷۱)

البته الحسنى در این دیدگاه تنها نیست و دیگران نیز چه بسا در پیروی از الحسنى و با مضمونی نزدیک به او بر نقش زنادقه و غُلاّه در بر ساختن یا به کارگیری احادیث من بلغ، برای اقناع طالبان و راویان حدیث تاکید دارد: «غالیان و زندیقان چون نیاز جویندگان دانش و حتی دانشیان دون پایه را به فرا گرفتن و شنیدن حدیث دریافتند، به پلیدترین شیوه‌ها احادیثی را بر ساختند و به پاس‌بانان حقیقت نسبت دادند» (بهودی، ۱۴۰۱، ج ۱ ص ط) این بر دخالت قَصَّاصان در رواج و یا احتمالاً بر ساختن احادیث فضائل تاکید دارند. در مقابل اما، صرف نظر از موضوعه بودن یا نبودن اخبار فضائل، برخی از دانشیان مضمون احادیث من بلغ را آن چنان پذیرفته‌اند که در نقل اخبار فضائل الاعمال تسامح کامل روا داشته و نقل آنها را حتی برای کسی که اطمینان به صدور ندارد، روا دانسته‌اند، مشروط بر آنکه دلیلی هم بر کذب آنها موجود نباشد یا اگر علم به کذب هست، در هنگام نقل، به کاذب بودن آن تصریح شود. (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۸)

سخن معروف الحسنى در سوء استفاده‌هایی که از احادیث من بلغ می‌شود، پذیرفتنی می‌نماید، و حتی اگر نتوان جعلی بودن آنها را ثابت کرد، باید به دلایل سختگیرانه زیادی که برای پذیرش حدیث به عنوان مستند حکم شرعی وجود دارد، توجه داشت. با این همه نمی‌توان به استناد ویژگی‌های رفتاری قَصَّاصان و جاعلان حدیث به طور عام، درباره اصالت یا دلالت احادیث خاصی داوری نمود، اما این پیشینه می‌تواند ضرورت دقت بیشتر در بررسی سندی و متنی حدیث را به طور کلی یا احادیث فضائل الاعمال را به طور خاص، تاکید کند.

۲-۲. نقد متن و دلالت احادیث من بلغ

الحسنى ضمن آنکه در اعتبار سندی این روایات تشکیک می‌کند، تاکید اصلی خود را بر نقد متن و محتوای آنها گذاشته و دلایل ذیل را برای نفی این احادیث بیان کرده است:

۲-۲-۱. احادیث من بلغ، نفی کننده شرایط پذیرش خبر نیست

«بر فرض که احادیث من بلغ صحیح باشد، بلوغ خبر پاداش برای عملی خاص، مشروط به شروط اطمینان‌آور است و هر خبری را شامل نمی‌شود» (معروف الحسنی، ۱۹۷۳، ص ۱۷۳).

این سخن ایشان تکرار سخن شیخ عبدالله مامقانی است، که دلالت احادیث من بلغ را تنها بر اخباری می‌داند که «شرایط عقلانی اطمینان‌آور برای پذیرش» (مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۱) را داشته باشند. بر این اساس عبارت «من بلغ»، عُرْفاً یعنی مکلفان باید درستی و نادرستی خبری را که دریافته‌اند، تشخیص دهند و اعتبار شنیده‌های خود را با عقل خویش بسنجند. در این صورت اگر «به شخصی روایتی از پیامبر (ص) یا سایر معصومان (ع) از طریقی صحیح و مورد قبول عقلا رسید و شرایط حجیت را داشت» (کریمیان، ۱۳۹۷) و به آن عمل کرد، از پاداش الهی و رحمت او بهره‌مند است، حتی اگر اصالت آن خبر معتبر نباشد. در حالی که فقیه در مقام افتاء باید به معیارهای خاص شرعی برای پذیرش خبری که مبنای حکم او قرار می‌گیرد، التزام داشته باشد. از اینرو معروف الحسنی همصدا با، بسیاری از فقها، استخراج حکم استحباب شرعی را از احادیث من بلغ، بدون لحاظ کردن شرایط و معیارهای علمی پذیرش خبر روا نمی‌بینند.

۲-۲-۲. مخالفت اخبار متضمن پاداش‌های گزاف با سیره معصومان (ع)

این نکته از اختصاصات معروف الحسنی که شاید پیش از ایشان مطرح نشده باشد. وی با تاکید بر سبک‌شناسی رفتار و گفتار معصومان (ع) بر آن است، آنچنان که از اخبار معتبر فهمیده می‌شود، سیره و شیوه فکری و رفتاری معصومان (ع)، با اخبار فضائل و ترغیب، تعارض دارد. (معروف الحسنی، ۱۹۷۳، ص ۱۶۶)

این سخن معروف الحسنی، اشاره به یکی از تالی فاسدهای پذیرش احادیث من بلغ است که مبنایی برای پذیرش و رواج احادیث فضائل الاعمال واقع شده و در میان واعظان و عامه مردم شهرت یافته است. با این همه -گرچه فی الجمله با اعتماد به دانش گسترده و شخصیت برجسته علمی و دینی ایشان و تجربه زیسته‌اش به عنوان قاضی و مرجع فکری در دوران و جغرافیای خودش- می‌توان این سخن را مورد توجه قرار داد، اما داوری علمی در این باره مستلزم تدوین شیوه‌نامه و سبک‌شناسی رفتار و گفتار معصومان (ع) است که با همه اهمیتی که دارد، ایشان در اینجا، به آن نپرداخته و تبیین نکرده و صرفاً بر اساس آنچه در ذهن داشته، چنین داوری



نموده است. بر اساس همین پیش فرض های ناگفته، ایشان بر آن است اخبار فضائل الاعمال، از بر ساخته های قَصَّاصان و دروغ پردازان و زندیقان و دشمنانی است که به میان شیعیان راه یافته اند. با توجه به جایگاه علمی و آثار پرشمار ایشان، این سخن نیز می تواند بسیار قابل توجه و درخور بررسی فراوان باشد، اما هنوز به عنوان سخنی علمی و مستند، در مبحثی علم الحدیثی محل تأمل است.

۲-۳. انتساب دروغ به معصومان (ع)، حرام است

صورت استدلال ایشان چنین است:

- «قرآن کریم دروغ را حرام دانسته و تهدید به کیفر کرده است»
- «پیامبر گرامی آنان را که سخنان دروغ به ایشان نسبت می دهند، لعنت کرده است»
- «خداوند و پیامبر گرامی کسانی را که به دروغ، سخنانی را در فضائل اعمال به پیشوایان دینی نسبت می دهند، استثناء نکرده اند»
- «تساهل در سند روایت و عمل به خبر ضعیف، همانا رواداری و پذیرش کذب است» (معروف الحسینی، ۱۹۷۳، ص ۱۷۱)

در واقع ایشان برآن است استناد به احادیث من بلغ، برای پذیرش حدیث ضعیف، فراهم کردن حجیت صوری و ظاهری و موجب رواداری انتساب دروغ به معصوم (ع) است. این سخن ایشان بسیار مهم، پذیرفتنی و مبتنی بر اصول عقلانی و آموزه های قرآنی است. براین اساس هرگونه تساهل در پذیرش خبر ضعیف، به دلیل ناپسند بودن شرعی و اخلاقی کذب، مردود است. در حالی برخی با استناد به احادیث من بلغ و مأجور بودن عمل کننده، با رواداری تساهل، این اخبار ضعیف را گسترش داده یا بر مبنای آن حکم استحباب شرعی صادر می کنند.

دیدگاه ایشان، بیانی دیگر از اندیشه کسانی است که با استناد به آیه نبأ، از پذیرش خبر ضعیف سر باز می زنند، (بحرانی، بی تا، ج ۴، صص ۱۹۹-۲۰۱) زیرا مقتضای این آیه، امضای اصل عقلانی «نهی از عمل به خبر فاسق است ... چو عقلا هم رفتارشان همین است». (طباطبایی: ذیل آیه نبأ) در خبر ضعیف، اصل بر آن است که یک یا چند راوی، از اعتبار کافی برای اعتماد به خبرشان، برخوردار نیستند، از اینرو نمی توان به هیچ روی، خبر ضعیف را مبنای عمل و صدور حکم شرعی قرار داد.

۴-۲-۲. پذیرفتن حدیث ضعیف به استناد اخبار من بلغ، تالی فاسد تربیتی دارد

ایشان در اثبات رای خویش سه نکته را ذکر می‌کند:

الف) اخباری که پاداش‌های گزاف و بی‌اندازه برای برخی اعمال برشمرده‌اند، این گمان را در مردمان عادی و عامه مومنان ایجاد می‌کند که می‌توانند در کار دینداری سهل‌انگار و لأبالی باشند و سپس با انجام چند عمل ساده همه زشتی‌های آنها پوشانده شده و به بالاترین بهره‌ها و پاداش‌ها دست یابند. (معروف الحسنی، ۱۹۷۳، ص ۱۷۴)

ب) در هیچ جای قران و در هیچ روایت صحیح، گفته نشده که تنها با انجام یک عمل کوچک یا بزرگ می‌توان همه گناهان را، هر اندازه که باشد، از میان برد و به سعادت آخری رسید. (معروف الحسنی، ۱۹۷۳، ص ۱۷۵)

ج) این گونه روایات با توصیه‌هایی که به سخت‌کوشی و انجام عمل صالح و تلاش پیوسته برای جلب رضایت خداوند شده است، تعارض دارد. (معروف الحسنی، ۱۹۷۳، ص ۱۷۵)

بررسی اشکال اول: شاید چنین باشد و بتوان چنین برداشت کرد، اما این نحوه استدلال، پایه علم الحدیثی ندارد و صرفاً مبتنی بر برداشت و تجربه شخصی است. برای اثبات چنین داوری‌هایی نیازمند ذکر موارد مشخص و بررسی‌های میدانی هستیم که از دامنه بحث‌های حدیثی بیرون است.

بررسی اشکال دوم و سوم: داوری ایشان در این باره محل تامل است. گرچه تاکید افراطی بر روایات فضایل می‌تواند به همین نتیجه منفی که ایشان اشاره کرده، منجر شود، اما حق آنست که این روایات به تنهایی بررسی و داوری نمی‌شوند و می‌توان در قران کریم و روایات صحیح مواردی را یافت که با انجام کرداری به ظاهر کوچک، پاداش و اثری بزرگ به‌دست می‌آید.

«بعضی از کارهای نیک است که اثر بعضی از گناهان را از بین می‌برد، مانند نمازهای واجب که به حکم آیه شریفه: إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ (هود: ۱۱۴)، باعث محو سیئات می‌گردد و مانند حج که به حکم آیه شریفه: فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ (البقره: ۲۰۳). و نیز مانند اجتناب از گناهان کبیره که به حکم آیه شریفه: إِنْ تَجَنَّبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ (النساء: ۳۱) باعث محو سیئات می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۵۹).



با این همه، این استدلال ایشان رویکردی اخلاقی در بررسی حدیث است که دستکم در زمان ایشان بیش از پنج دهه قبل، رواجی نداشته و امروزه برجسته شده است. «معروف الحسینی در نقد متن حدیث، به مبانی اخلاقی استناد می‌کند و بر این اساس در انکار برخی اخبار منسوب به اهل بیت، تردید نمی‌کند» (خطیب، ۲۰۲۲)

۳-۲. نقد قاعده تسامح در ادله سنن

نقد الحسنی، تنها به اعتبار احادیث من بلغ و تاثیر آنها در رواداری پذیرش حدیث ضعیف اختصاص ندارد و وی با تکیه بر ضعف مبانی حدیثی، به نقد قاعده تسامح نیز پرداخته و صدور حکم استحباب شرعی را بر پایه آن روا نمی‌دارد. او پس از نقد و انکار اعتبار احادیث من بلغ، به طریق اولی از پذیرش قاعده تسامح سرباز زده و بی‌آنکه وارد مباحث اصولی در پیرامون این قاعده شود، به ذکر همین نکته بسنده می‌کند که نمی‌توان بنیان یک قاعده اصولی را بر احادیث ضعیف، نهاد و آن را به مدارک احکام افزود:

«با این حال شیعه و سنی این‌گونه احادیث را معتبر دانسته و قاعده تسامح را از آن استخراج کرده و به مدارک احکام شرعی افزوده‌اند، در حالی که این‌گونه روایات به روشنی، شرایط عمل به روایت را دارا نیستند» (معروف الحسینی، ۱۹۷۳، ص ۱۶۹).

مدافعان احادیث من بلغ، استناد به آنها را برای اعتبار بخشی و به کارگیری قاعده تسامح، فقط منحصر به فقیه و پس از اطمینان از عدم هرگونه تالی فاسد و عدم رواج بدعت و حتی عدم ظن به کذب می‌دانند. (حسینیان، ۱۳۷۶) اما در عین حال تسامح، ذاتاً بی‌معیار است و مرزهای آن به روشنی مشخص نیست و هر کس می‌تواند با معیار خویش آن را جاری کند. در حالی که ساختار فقهی حقوقی، با امور مبهم و بی‌مرزبندی دقیق و معیارهای ذومراتب و قابل تأویل سازگار نیست. معروف الحسینی البته به تالی فاسد این تسامح که موجب رواج احیای طبعی و اعمال و اذکار و زیارتنامه‌های بی‌شمار و نامعتبر در میان عامه مردم است نظر داشته، به ویژه در شرایط اجتماعی او که در مجاورت با سایر فرق اسلامی و ادیان دیگر بوده است.

نتایج تحقیق

احادیث من بلغ، حتی اگر از نظر سند و اعتبار پذیرفته شوند، آگاهی دهنده از یک اصل عقلانی و اعتقادی هستند که بر مبنای آن، خداوند مطابق با نیت بندگان، رحمت خویش را به آنان عطا می‌نماید؛ و هرگز این دسته از احادیث نمی‌تواند ناقض و نافی اصول دیگر پذیرفته شده در سایر دانش‌ها مانند اصول فقه و علم الحدیث باشند. معروف الحسنی، با همین رویکرد، احادیث من بلغ را سنداً و متناً نقد کرده و به هیچ‌رو نمی‌پذیرد که آنها بتوانند مبنایی برای پذیرش حدیث ضعیف باشند. صراحت لهجه او گرچه ممکن است خوشایند نباشد، اما بی‌پشتوانه نیست.

- نزد او این احادیث در سند و اعتبار آنچنان پایه‌ای ندارند که بتواند مستندی برای نادیده گرفتن اصول پذیرفته شده در علم الحدیث برای سنجش حدیث باشد و احتمالاً حاصل جعل وضع حدیث، است. در عمل نیز، ابزاری در خدمت جاعلان و داستان‌پردازان بوده، تا خویش را از ارائه سند برای گفتارشان، برکنار دارند. حتی اگر اعتبار برخی از احادیث من بلغ پذیرفته شوند، به لحاظ متنی و دلالت، حجتی برای پذیرش حدیث ضعیف نیستند و از این احادیث فهمیده نمی‌شود که می‌توان حدیث ضعیف را پذیرفت.

۱- معروف الحسنی به درستی تأکید می‌کند، اخبار ضعیفی که با استناد به احادیث من بلغ، برای مقبولیت شان تلاش می‌شود، و متضمن پاداش‌های گراف و مطالب غلوآنگیز است، با شیوه عملی و سبک گفتاری پیامبر گرامی اهل بیت ناسازگار و در تعارض است.

۲- افزون بر آنکه پذیرش حدیث ضعیف، در حکم انتساب دروغ به پیشوایان دینی است و با مستندات عقلی، مبانی قرانی (آیه نباء) و سیره عملی پیامبر و ائمه مغایرت دارد. رواداری کذب و انتساب اعمال و اذکار بدون مستندات کافی، به پیشوایان دینی و توصیه دینداران به انجام آنها، از نتایج استناد به احادیث من بلغ است که معروف الحسنی به سختی با آن می‌ستیزد.

۳- تالی فاسدهای اخلاقی در میان عامه مومنان، مانند رواج سهل‌انگاری رفتاری و جدی نگرفتن گناه با امید به رحمت الهی آنچنان‌که در برخی روایات ضعیف فضائل الاعمال آمده، حاصل پذیرش و رواج احادیث من بلغ است. که گرچه این سخن ایشان، مبنای علم الحدیثی ندارد، اما از دیدگاه بررسی و سنجش اخلاقی متن حدیث، قابل توجه است.

۴- الحسنی درباره قاعده تسامح وارد مباحث تفصیلی نشده و به همین اندازه بسنده می‌کند که احادیث من بلغ کفایت لازم را برای آنکه بتوانند مبنایی برای یک اصل شرعی با دنباله‌های

فراوان باشند، ندارند. به ویژه اینکه تسامح حد و مرزی ندارد و روشن نیست اگر پذیرش حدیث ضعیف بر اساس قاعده تسامح، داوری شود تا کجا می تواند پیش برود.

کتاب نامه:

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الشریف الرضی.
- اخوان صراف، زهرا، (۱۳۸۳ش)، «بررسی روش کتاب الموضوعات فی الآثار و الاخبار در شناخت احادیث موضوعه»، *علوم حدیث*، شماره ۳۱، صص ۱۵۶-۱۸۸.
- اخوان صراف، زهرا، (۱۳۸۶ش)، «چون و چرایی در تشخیص موضوعات در الموضوعات فی الآثار و الاخبار»، *علوم حدیث*، شماره ۱۲، صص ۱۲۹-۱۴۹.
- امین، حسن، (۱۹۸۷م)، *مستدرک اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امینی، فریده؛ بهارزاده، پروین؛ شیردل، معصومه؛ نعمتی، طاهره، (۱۳۹۸ش)، «نقدی بر روش هاشم معروف حسنی در اعتبار سنجی روایات فضائل اهل بیت در کتاب الموضوعات فی الآثار و الاخبار»، *حدیث پژوهی*، سال ۱۱، شماره ۲۱، صص ۳۶۷-۳۹۴.
- انصاری، مرتضی، (۱۳۷۲ش)، *رسائل فقهیه مرتضی الانصاری*، قم: انتشارات کنگره شیخ انصاری.
- باقری، حمید، (۱۳۸۲ش)، «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، *حدیث و اندیشه*، شماره ۵-۶، صص ۹۲-۳۷.
- بجنوردی، سیدحسن، (۱۳۷۷ش)، *القواعد الفقهیه*، تحقیق: مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی، قم: نشر الهادی.
- بحرانی، یوسف، (بی تا)، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، محقق: محمدتقی ایروانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ش)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- بهبودی، محمدباقر، (۱۴۰۱ق)، *صحیح الکافی*، بیروت: الدار الاسلامی.
- بیضانی، قاسم، (۱۳۸۵ش)، *مبانی نقد متن الحدیث*، قم: مرکز دراسات الاسلامیه.
- تبریزی، میرزا جواد، (۱۴۱۶ق)، *صراط النجاة: استفتاءات لآیه الله العظمی الخوئی مع تعلیقه و ملحقات لآیه العظمی التبریزی*، محقق: موسی مفیدالدین عاصی العاملی، قم: نشر سلمان فارسی.

- حسینیان قمی، مهدی، (۱۳۷۶ش)، «دفاع از حدیث»، علوم حدیث، شماره ۶، صص ۱۲۹-۱۶۱.
- حلی، احمد بن محمد اسدی، (۱۴۰۷ق)، *عُدَّة الداعی و نجاح الساعی*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- خطیب، شهید عبدالزهره، (۲۰۲۲م)، «نقد متن الحدیث عند السید هاشم معروف الحسنی»، *مجله نسق*، دوره ۳۳، شماره ۷، صص ۳۹۷-۴۲۸.
- خویی، ابوالقاسم، (۱۳۶۸ش)، *اجود التقريرات*، قم: کتابفروشی مصطفوی.
- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق-الف)، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: دارالهادی.
- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق-ب)، *معجم رجال الحدیث*، بیروت: مؤسسه الخوئی الاسلامیه.
- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، *مصباح الاصول: تقریرات دروس اصول الفقه*، به قلم واعظ حسینی بهسودی و محمد سرور، قم: مکتبه الدواری.
- رضوانی، احمد، (۱۳۷۹ش)، «تسامح»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۸ش)، *الوسیط*، قم: مؤسسه الإمام الصادق.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۳۱ق)، *المبسوط فی اصول الفقه*، قم: مؤسسه الامام صادق.
- ستوده، حمید، (۱۳۹۰ش)، «محمد بن سنان، کاوشی در وثاقت و تضعیف»، *فقه اهل بیت علیهم السلام*، دوره ۱۷، شماره ۶۶-۶۷، صص ۲۷۴-۲۹۶.
- سیستانی، علی حسینی، (۱۴۱۴ق)، *منهاج الصالحین*، قم: مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی.
- شانه چی، کاظم مدیر، (۱۳۸۱ش)، *علم الحدیث*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صدر، حسن، (بی تا)، *نهایة الدراية*، تحقیق: ماجد الغرباوی، تهران: نشر مشعر.
- صدر، محمدباقر، (۱۹۸۶م)، *دروس فی علم الاصول*، بیروت: دارالکتاب.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۳ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: نشر اسماعیلیان.
- عاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۲ش)، *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- عاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۶ش)، *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- غفاری، علی اکبر، (بی تا)، *ترجمه ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، تهران: کتابخانه صدوق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.



- کریمیان، محمود، (۱۳۹۷ش)، «اعتبارسنجی و مفهوم‌شناسی احادیث من بلغ»، **حدیث حوزه**، دوره ۸، شماره ۱۶، صص ۷-۲۱.
- کلاتری، علی اکبر، (۱۳۹۷ش)، «چگونگی مواجهه فقها با اخبار من بلغ و برداشتی نو از این اخبار»، **مجله فقه و اصول**، دوره ۵۰، شماره ۲، صص ۹۹-۱۱۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷ش)، **الکافی**، تحقیق: محمدحسین درایتی، قم: دارالحدیث.
- مامقانی، عبدالله، (۱۳۸۵ش)، **مقیاس الهدایة فی علم الدراية**، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: دلیل ما.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محرابی، محمدامین، (۱۳۹۷ش)، **بحوث تحلیلیه فی قاعده التسامح الفقهيّه**، قم: مرکز نشر کتاب.
- معروف الحسینی، هاشم، (۱۹۷۳م)، **الموضوعات فی الآثار و الاخبار عرض و دراسة**، بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
- موسوی غروی، محمدجواد، (۱۳۷۷ش)، **فقه استدلالی در مسائل خلافی**، تهران: نشر اقبال.
- میرمحمدی، سیدابوالفضل، (۱۳۶۸ش)، «تسامح در ادله سنن؛ بحثی در اخبار من بلغ»، **مقالات و بررسی‌ها**، شماره ۴۷-۴۸، صص ۱-۱۷.
- میرمحمدی، سیدابوالفضل، (۱۳۶۹ش)، «تسامح در ادله سنن، بحثی در اخبار من بلغ»، **مقالات و بررسی‌ها**، شماره ۴۹-۵۰، صص ۱-۱۸.
- نائینی، محمدحسین، (۱۳۶۸ش)، **اجود التقریرات**، گردآورنده سید ابوالقاسم خویی، قم: کتابفروشی مصطفوی.
- نجاشی، أحمد بن علی، (۱۴۱۸ق)، **رجال النجاشی**، محقق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۲۶ق)، **مستدرکات علم رجال الحدیث**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- واسطی، احمد الواسطی، (۱۴۳۴ق)، **سیره حیاة الامام الخویی**، مصر: دارالکاتب العربی.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

Akhawān Ṣarrāf, Zahrā, (2004), "Examining the method of the book al-Mawḍū'āt fī al-āthār wa-al-akhbār about fabricated hadiths", Hadith Sciences, 31 (1), Pp. 156-188

Akhawān Ṣarrāf, Zahrā, (2007), "Controversy in identifying subjects in the al-Mawḍū'āt fī al-āthār wa-al-akhbār", Hadith Sciences, 12 (1), Pp. 129-149.

Amin, hasan, (1987), Mustadrak A'yān al-shi'ah, Beirut, Dār al-Ta'āruf lil-Maṭbū'āt.

Amini, Faride; Bahārzādeh, Parvin; Shirdel, Ma'some; Ne'mati, Tāhereh, (2019), "A critique on the method of Hashem Ma'rouf Hasani in validating the hadiths of the virtues of Ahl al-Bayt in al-Mawḍū'āt fī al-āthār wa-al-akhbār", Hadith Studies, 11 (21). Pp. 367-394.

Ansāri, Mortazā ibn Mohammad Amin, (1993), Rasā'il fiqhiyyh Mortadā al-Anṣārī, i' dād lujnah taḥqīq Turāth al-Shaykh al-A'zam, Qum, al-Mu'tamar al-'Ālamī bemonāsbah al-dhikrā al-mi'awyyah al-thāniyah li-mīlād al-Shaykh al-Anṣārī.

Bahrani, al-Shaykh Yosof, (No date), al-Ḥadā'iq al-nāḍirah fī Ahkām al-'itrah al-tāhirah, Ed. Mohammad Taqi al-Iravani, Qum, Mu'assasah al-Nashr al-Islāmī al-tābi'ah. li-Jāmi'ah al-Modarrisīn.

Baqeri, hamid, (2003), "Ahadith of *man balghah*: Text and credit review", Hadith wa andishe, (5-6), Pp.37-92.

Barqi, Ahmad ibn Muhammad ibn khalid, (1992), al-Mahāsin, Qum, Dar al-kutob al-Islāmiyyah.

Bayzani, Qāsem, (2006), The basics of Hadith criticism, Qum, al-Markaz al-'ālamī li-drasat al-Islāmiyyah.

Behboudi, Mohammad bāqir, (1981), Sahih al-Kāfi, Beirut, al-Dār al-Islāmi.

Bojnordi, Seyyed Hasan, (1998), al-Qawā'id al-fiqhiyyah, Ed. Mahdi Mehrizi- Mohammad Taqi Derayati, Qum, al-Hadi.

Feyz Kashani, Mohammad Mohsen, (1986), Isfahan, Ketabkhaneye Amir al-momenin.

Ghaffāri, Ali Akbar, (No date), Tarjomeye Thawab al-A'mal wa Eqāb al-A'māl, Tehran, Ketabkhaneye Sadoq.

Helli, Ahmad ibn Mohammad Asadi, (1987), 'Uddh al-Dā'ī wa Najāḥ al-Sā'ī, Beirut, Dar al-kitab al-"arabi.

Hoseeiniyan Qumi, Mahdi, (1997), "Defense of hadith (5)", Hadith Sciences, (6), Pp. 129-161.

- Kalantari, Ali Akbar, (2018), "How jurists deal with Ahādith man balaghah and a new understanding of these hadiths", *Journal of Fiqh and Usul*, 50 (2), Pp. 99-114.
- Karimian, Mahmood, (2018), "Validation and conceptualization of the hadiths of man balgh", *Hadith Hozeh*, 8 (16), Pp. 7-21.
- Khatib, Shahid Abd al-Zuhrah, (2022), "Criticism of hadith content by al-Sayyid Hāshim Ma'rūf al-Ḥasanī", *Nasaq, Iraqi Association for Educational and Psychological Studies*, 33 (7), Pp. 397-428.
- Khoi, al-Sayyed Abu al-Qāsim, (1989), *Ajwad al-Taqrirāt*, Qum, Ketabfroshe Mostafawi.
- Khoi, al-Sayyed Abu al-Qāsim, (1990), *al-Tanqīḥ fī sharḥ al-ʿUrwah al-wuthqā*, Ed. Al-Mirzā Ali al-Gharawi al-Tabrizi, Qum, Dar al-Hadi.
- Khoi, al-Sayyed Abu al-Qāsim, (1990), *Mu'jam Rijāl al-Hadith*, No place, Mu'assasah al-Khū'ī al-Islāmīyah.
- Khoi, al-Sayyed Abu al-Qāsim, (1993), *Mesbāh al-usol: Lectures on the principles of jurisprudence*, by: Wa'ez Hosseini Behsoudi & Mohammad Sarwar, Qum, Maktabah al-Dawāri.
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghob, (2008), *Al-Kāfi*, Ed. Mohammad Hossein Derāyati, Qum, Dār al-Hadith.
- Majlesi, Mohammad baqer, (1983), *Bihār al-anwār*, 3rd edition, Beirut, Dār Iḥyā' al-Turāth al-ʿArabī.
- Majlesi, Mohammad bāqer, (1984), *Mir'āt al-ʿuqūl fī sharḥ akhbār Āl al-Rasūl*, Tehran, Dār al-kotob al-Islāmīyah.
- Mamaqānī, Abdollah, (2006), *Miqbās al-Hidāyah fī ʿilm al-dirāyah*, Ed. Moḥammad Reḍā al-Māmaqānī, Qum, Dalil Ma.
- Ma'rūf al-Ḥasanī, Hāshim, (1973), *al-Mawḍūʿāt fī al-āthār wa al-akhbār: ʿarḍ wa dirāsah*, 1st Edition, Beirut, Dār al-Kitāb al-Lubnānī.
- Mehrābi, Mohammad Amin, (2018), *Buḥūth taḥlīlīyah fī Qāʿidah al-tasāmuh al-fiqhiyah*, Qum, Markaz nashr Ketab.
- Mir Mohammadi, Seyyed Abolfazl, (1989), "Tasamoh dar adelleye sonan (1) a discussion in Ahadith man malaghah", *Articles and reviews, Journal of the Research Department of the Faculty of Theology and Islamic Studies University of Tehran*, (47-48), Pp. 1-17.
- Mir Mohammadi, Seyyed Abolfazl, (1991), "Tasamoh dar adelleye sonan (2) a discussion in Ahadith man malaghah", *Articles and reviews, Journal of the Research Department of the Faculty of Theology and Islamic Studies University of Tehran*, (49-50), Pp. 1-18.
- Mosawi Gharawi, Mohammad Jawad, (1998), *Argumentative jurisprudence in controversial issues*, Tehran, Eqbal.

- Muhammad ibn al-Hasan al-Shaykh al-horr al-‘Āmilī, (1993), *Wasā’il al-Shī’ah ilā taḥṣīl masā’il al-sharī’ah, taḥqīq Mu’assasah Āl al-Bayt li-Iḥyā al-Turāth*, Qum, Mu’assasah Āl al-Bayt li-Iḥyā’ al-Turāth.
- Muhammad ibn al-Hasan al-Shaykh al-horr al-‘Āmilī, (1997), *al-Fuṣūl al-muhimmah fī uṣūl al-a’immah*, Qum, Mu’assasah Ma‘ārif Islāmī.
- Nāiini, Nirzā Mohammad Hasan, (1989), *Ajwad al-taqirāt*, Compiled by Sayyed Abu al-Qasim al-Khoi, Qum, Ketabfroshi Mostafawi.
- Najāshī, Abī al-‘Abbās Aḥmad ibn ‘Alī al-Najāshī, (1984), *Rijāl al-Najāshī*, Ed. al-Sayyid Mūsā al-Shubayrī al-Zanjānī, Qum, Mu’assasah al-Nashr al-Islāmī.
- Namazi Shahroodi, Ali, (2005), *Mostdrkāt ‘ilm rijāl al-ḥadīth*, Qum, Mu’assasah al-Nashr al-Islāmī.
- Rezwani, Ahmad, (2001), *Tasāmuh*, Great Islamic Encyclopaedia (9), Ed. Mohammad Kazem Mosawi Bojnordi, Tehran, The Centre for the Great Islamic Encyclopaedia.
- Sadoq, Mohammad ibn Ali ibn Bābwayh, (1986), *Thawāb al-A‘māl wa ‘Eqāb al’-māl*, Qum, Dar al-Sharif al-Radi li-nashr.
- Sadr, al-Sayyed Mohammad Bāqir, (2002), *Durūs fī ‘ilm al-uṣūl*, 3rd edition, Beyrūt, dārālkṭāb al-Lubnānī.
- Sadr, al-Seyyed Hasan, (No date), *Nihāyat al-dirāyah*, Ed. Mājīd al-Gharbāwī, Tehran, al-Mash’ar.
- Shānechi, Kāzem Modir, (2002), *Elm al-hadith*, Qum, Daftar Intesharat Islami.
- Sistani, Seyyed Ali, (1994), *Minhāj al-Sālehin*, Qum, al-Wafah- Maktabah Ayatollah al-uzma al-Sistani.
- Sotodeh, Hamid, (2011), "Mohammad ibn Senan: A search in validation and weakening", *Journal of Fiqh of Ahl al-bayt*, 17 (66-67), Pp. 274-296.
- Subhānī, al-Shaykh Ja’far, (2009), *al-Wasit*, Qum, Mu’assasah al-Imām al-Ṣādiq.
- Subhānī, al-Shaykh Ja’far, (2010), *al-Mabsūṭ fī uṣūl al-fiqh*, Qum, Mu’assasah al-Imām al-Ṣādiq.
- Tabātabāei, Mohammad Hossein, (1994), *al-Mīzān fī tafsīr al-Qur’ān*, Qum, Esmaeiliyan.
- Tabrizi, al-Mirza Jawad, (1996), *Sirāt al-Nijāt* Jurisprudential questions from Āyatollāh al-‘uzmā al-Khoī ma’a ta’līqihī wa mulḥaqāt li-āyat al-u’zmā al-Tabrīzī, Ed. Mosa Mofid al-din ‘Āsi al-‘Āmeli, Qum, Daftar Nash Bargozide- Salman farsi.
- Wāsiṭī, Aḥmad al-Wāsiṭī, (1434), *Sīrah ḥayāt al-Imām al-Khoī*, M rṣ dār al-kātib al-‘Arabī.